



گفتار



نماینده جنبش حماس در تهران در گفت‌وگو با «ایران»:

دولت جعلی صهیونیستی در وضعیت شکننده است

هنگامی که امام خمینی (ره) روز قدس را روز قیام همه مستضعفین عالم علیه رژیم غاصب صهیونیستی اعلام کردند، چنین تصور می‌شد که ایشان در تلاشند تا فقط مسأله آزادسازی قدس و فلسطین را زنده و توجه جهان اسلام را به این اولویت مهم جلب کنند و کمتر کسی متوجه منظور امام و اقلی که ایشان ترسیم کردند، شد. اکنون که بیداری اسلامی از دل مقاومت ضد صهیونیستی بیرون آمده است، به خوبی درمی‌یابیم که راه رهایی همه جهان اسلام، از مسیر نفی این رژیم جعلی می‌گذرد. در همین راستا «ایران» گفت‌وگویی کوتاه با خالد قدومی نماینده جنبش حماس در تهران انجام داده است که خلاصه متن آن در قالب گفتار زیر ارائه شده است.

موجودیت رژیم صهیونیستی خطری برای تمام جهان اسلام است

پیروزی انقلاب اسلامی برای ما فلسطینی‌ها یک معنای راهبردی بزرگ دارد؛ درحالی که برخی گمان می‌کنند که از آغاز، انقلاب ایران صرفاً کمک‌کننده به فلسطین بوده، از لحاظ ایدئولوژیک و خلق ادبیات مقاومت و مواجهه با مستکبران و مانند آن، ولی ما امروز چیزی فراتر از این می‌بینیم؛ دیدیم که این انقلاب اسلامی شریک [ایران فلسطین] است، نه صرفاً حامی و کمک‌کننده؛ بلکه شریک مقاومت فلسطین است، شریک ایران فلسطین است، شریک آئینه فلسطینی است، چرا که رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن مشترک امروز ما، خودش تهدید امنیتی علیه کل کشورهای جهان اسلام است؛ به‌اعتراف خود موساد، نه‌تنها فقط دانشمندان هسته‌ای ایران، بلکه دانشمندان تونس و مالزی و عراق بدون هیچ مجازات و تعقیب [حقوقی و بین‌المللی] را ترور می‌کند، این یعنی رژیم صهیونیستی دشمن مشترک مسلمانان است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، یک پد واحد هستیم در مواجهه با رژیم صهیونیستی که در پشت تمام فشارها و محاصره‌های اقتصادی و فرهنگی علیه ما و [نتیجت] سلطه‌گری محور آمریکا در منطقه قرار دارد. همچنین ما دیدیم که محور مقاومت چقدر پیشرفت کرده که امروز خبری غلظ یک جوان ۲۲ ساله، هشت سرباز یهودی از شهرک نشینان کرانه باختری که تحت اشغال هستند را به درک واصل کرد، این پیشرفت را نباید نادیده بگیریم؛ این به معنای نزدیک شدن پایان حیات رژیم صهیونیستی و آزادی کل فلسطین از نهر تا بحر است.

جمهوری اسلامی جریان‌های مقاومت را به هم پیوند داد

در وهله نخست، خود خون شهدا و قربانیان ما، گروه‌های مقاومت را متحد می‌کند و جایی برای تفرقه باقی نمی‌گذارد، هرچند ممکن است طبیعتاً اختلاف نظر هم باشد، ضمن اینکه دشمن [برای ایجاد تفرقه] سعی می‌کند ولی موفق نخواهد شد، در فارسی می‌گویند: «زهی خیال باطل!» دوم درباره نقش برادر بزرگتر ما یعنی جمهوری اسلامی ایران، چه حضرت آقا، چه زمانی که شهید سلیمانی بود و چه اکنون که خلف صالح ایشان [سردار قالی] هستند، همه می‌دانیم که اگر امروز متحد نباشیم یعنی ضعیف هستیم، یعنی شکست خواهیم خورد. یکی از دلایل اصلی اتحاد ما، بنا به پاسخی که در سؤال قبل هم گفتم، وجود دشمن مشترک [رژیم اسرائیل] است.

ملت‌های عربی عادی‌سازی را نفی کرده‌اند

در نظرسنجی اخیر می‌بینیم که دوچه منتشر کرد، ملت‌های عربی که دولت‌هایشان در حال انجام فرایند عادی‌سازی هستند، بیشترین مواجهه منفی با این امر را داشتند. ملت‌ها [با عادی‌سازی روابط] مخالفند؛ بویژه کشورهایی همچون مصر و اردن که [در گذشته] دولت‌هایشان عادی‌سازی کردند. اکنون هم کابینه افراطی نتانیاهو که از [اتلاف] دو طیف یهودیان ارتدکس و سکولار تشکیل شده است، چه نتیجه‌ای داشته جز تظاهرات گسترده علیه فساد داخلی؟! خود این اتلاف، وضعیت شکننده‌ای دارد، این معادله به نتیجه نخواهد رسید، ولی برای ما نتیجه خواهد داد و به آزادی [قدس] خواهد رسید؛ چرا که بنیان [رژیم صهیونیستی] نامشروع و دروغین بود، ولی ما براساس حقانیت و مشروعیت‌مان به پیروزی خواهیم رسید ان‌شاء‌الله.



سران براندازان به کارگردانی غرب! تنها آورده این نمایش، نقلا برای مخفی کردن اختلافات بود؛ از نظرمرد نیز دور نمانده است. دیگر رهاورد چنین نشست‌هایی، می‌تواند پول‌های بیشتری باشد که از سوی لابی‌ها و محافل غربی به جیب حاضرانش جلب می‌شود

نگاهی به دوره‌می جریان‌های تجزیه طلب و برانداز خارج نشین در دانشگاه جرج تاون

پرده آخر بالماسکه اپوزیسیون!

گزارش تحلیلی

فائزه‌سادات یوسنی

روزنامه‌نگار

دروغ‌پردازی خالی از حامی شده، خط‌طلانی بر تمام تلاش‌های آنها خواهد کشید که این موضوع، برای آنها بسیار گران تمام شده و از این‌رو، به انکار آن برآمده‌اند. اگر ترکیب افراد حاضر در نشست را مورد بررسی قرار دهیم «اپوزیسیون» به معنای واقعی خود در آنها تجلی نخواهد یافت، چرا که هم سابقه‌معتادار و قابل‌تأملی به مفهوم اپوزیسیون ندارند و تنها با بلندگوهای دولت‌های متخاصم بوده‌اند یا با غوغا‌سازی‌ها در رسانه‌ها مطرح شده‌اند. از سویی دیگر، نه ایدئولوژی و اندیشه لازم برای زمامداری را داشته و نه کارکردی در قالب عملکرد نخبگانی دارند. طیف آنها از پهلوی که تنها زومه‌اش نسبت خانوادگی است تا بازیگران و سلبریتی‌ها را تشکیل می‌دهد که در رده‌بندی اپوزیسیون، هیچ وزن و جایگاهی ندارند. همچنین، آنها طرفدار و هوادار قابل توجهی در داخل کشور نداشته و فاقد پایگاه اجتماعی در بدنه جامعه هستند.

اضطراری به نام اتحاد خودخوانده!

تنها دلیلی که آنها را کنار هم قرار داده ویژگی مشترک تلاش برای این بردن جمهوری اسلامی است. تظاهراتی که با همه ابزارها، حمایت‌های مادی و همه‌جانبه خارجی، جهمه‌سازی‌های رسانه‌ای

خودشان افق و چشم‌اندازی نسبت به آن متصورند. آنها در طول نشست سعی می‌کردند که وجهه همبستگی خود را حفظ کنند و وعده‌هایی را به یکدیگر پاس دهند؛ وعده‌هایی که حجم زیادی از آنها دربردارنده نمایات گروه‌های تجزیه‌طلب بود! وجود اختلاف عدیده و حل‌نشدنی در آنها امری انکارناپذیر است و در همین نشست هم مشهود بود. برای نمونه می‌توان به این جمله اشاره کرد که توسط یکی از حاضران بیان شده بود: «هدف خود را نیست که تبدیل به شورا شویم، هدف این است که کمک کنیم شورا تشکیل شود!» اظهارات مهدی در حاشیه این نشست هم مصداق دیگری برای این موضوع است. او با بیان اینکه «ناسیونالیسم ایرانی به دنبال یک ایران انحصاری است و حقوق اقلیت‌ها را قبول ندارد» و «هیچ پیش شرطی را قبول نمی‌کنم؛ اینکه یک نفر شرط بگذارد و همه هم به او ملحق شوند، قابل قبول نیست» از اختلافات رفع‌نشده و شکاف‌های وحشتناک جریان اپوزیسیون پرده برداشت. علاوه بر آن بر همگان ثابت کرد که این اتلاف، اجتماعی پوشالی و فرمایشی بوده است. همچنین، مبنای گردآمدن آنها، تظاهر به یکدستی و اتحاد برای رفع فشار افکار عمومی بوده است.

عدم پایبندی به دکور اجماع‌سازی اپوزیسیون را اثبات می‌کند.

انگیزه‌های برگزاری نشست

انگیزه‌ای که در وهله اول، می‌توان برای چنین نشست‌هایی، تداوم و بازیابی آشوب از بستر تحرکات خارج از کشور است، به این منظور می‌کوشند با انگیزه دادن به عناصر دخیل در آشوب، آنها را برای حضور خیابانی ترغیب کنند و آنها را به میدان اولیه و نقطه شروع آشوب بکشانند. بویژه در شرایط کنونی که دیگر تنور آشوب برای چند ماه است که سرد شده و بسیاری از حاضران در خیابان یا از اقدامات خود پشیمان یا ناامید شده‌اند. انگیزه دیگر، جبران راهبردی برای از دست رفتن جریان آشوب است؛ آنها سعی دارند شکست خود را با به‌کارگیری عبارت «اختلاف نظر» سرپوش بگذارند و با ایجاد جایگاه رهبری آشوب‌ها را در راستای تضعیف جمهوری اسلامی تداوم بخشند. به نظر می‌رسد که آنها مثل همیشه بازهم دچار محاسبات غلط شده‌اند؛ زیرا تصور می‌کنند اگر تلاش‌هایشان در راستای براندازی به نتیجه نرسیده، به‌خاطر نبود رهبر بوده است!

حالا آن که نمی‌دانند که جامعه ایران به‌خاطر دلایل دیگری به آنها اعتنا نمی‌کند؛ دلایلی از جمله فقدان قوه عاقله، خام‌خالی و دیدگاه‌های غیرواقع‌بینانه و البته خطرناک.

این مطالب بخوبی نشان می‌دهد که آنها شناختی از تاروپود جامعه کشور ندارند؛ موضوعی که در برخی سخنان خود به‌طور تلویحی به آن اعتراف کرده‌اند. اما حتی اگر فرض کنیم که تصور آنها مبنی بر نیاز به رهبر درست است، باز هم باید گفت که از ویژگی‌های اساسی که رهبری یک جنبش باید دارا باشد، این است که به معنای واقعی باید از دل جنبش انتخاب شده باشد؛ چیزی که در افراد حاضر در نشست مشاهده نمی‌شود؛ اجماع اپوزیسیون، تنها حرکتی نمایشی و ساختگی است که بتواند بر نبود رهبر سرپوش بگذارد.

از دید آنها، این نشست و تلاش برای اجماع‌سازی، راهی جهت ارتقای سطح اپوزیسیون برای تقابل با جمهوری اسلامی است؛ اما نکته اینجا است که افراد حاضر در نشست، هیچ‌گاه فعالیت غیررسانه‌ای و به دور از غوغا‌سازی، در راستای نشان دادن ایران دوستی و میهن‌دوستی در پرونده خود نداشته‌اند. آنها در اصل، هوای قدرت و سر دارند و حذف تدریجی از ذهن مردم این خطر را برای آنها در پی دارد که جایگاهشان را به عنوان اپوزیسیون از دست بدهند. همین راستا دانست.

دموکراسی با طعم التماس!

باقی‌مانده رژیم پهلوی در این نشست، به‌طور التماسی و با حشرات تمام رو به قدرت‌های غربی‌ها اعلام کرد که «پشت ما خالی نکنید، ما را وجاه‌المصالحه

قرار ندهید.» این چنین برمی‌آید که سیرک اپوزیسیون با صراحت هرچه بیشتر تصمیم دارد که خود را عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی غرب نشان دهد و از این موضوع نیز ابایی ندارد. نامبرده در حاشیه مراسم در مورد اسرائیل گفته بود که «ما خواهان آن هستیم که کارشناسان اسرائیلی در زمینه‌های مختلف در ایران به کار گرفته شوند»؛ موضوعی که مانند همیشه مورد استقبال آنها واقع شده و خبر از لابی‌های این رژیم در صحنه‌گردانی نشست و نقش مهم آنها در تدارکات مورد نظر پهلوی و دیگر اقرار می‌دهد. چنین بازی‌هایی حکایت از آن دارد که اپوزیسیون خودخوانده، از این مسأله وحشت دارند که نتوانند چک غرب را در داخل ایران نقد کنند و نگرانند که جایگاه موهوم خود را از دست بدهند. استفاده از کاتالیزورهای غربی، مانند فشار حداکثری و ابزار تحریم نیز از محوری‌ترین اظهارات آنها بود. موضوعی که بیش از پیش نقاب از چهره مین دوستی آنها برمی‌افکند و هدف اصلی یعنی تحت فشار قراردادن مردم را در انظار عمومی نمایان می‌کند.

تنها آورده این نمایش، نقلا برای مخفی کردن اختلافات بود؛ اختلافاتی که البته از نظر مردم نیز دور نمانده است. دیگر رهاورد چنین نشست‌هایی، می‌تواند پول‌های بیشتری باشد که از سوی لابی‌ها و محافل غربی به جیب حاضرانش جلب می‌شود. روشن است که آنها مورد استقبال مردم قرار نگرفتند و اظهاراتشان حتی در رسانه‌های ضد انقلاب نیز چندان اثر نداشت. آنها در این نشست، کوشیدند تا یک پل ارتباطی بین اقدامات خارج از کشور تا با حمایت لفظی، آشوبگران داخلی را به تداوم آشوب دعوت نمایند و وجه تقارنی از اقدامات و جمع‌تاز خارج از کشور را برای جمع‌تاز داخل شکل بدهند. این در حالی است که خارج‌نشینان مخالف جمهوری اسلامی در تمام این چند دهه از مدار توجه مردمی خارج بوده‌اند.

نکته‌ای که در این بین خود را متمایز می‌کند، ورود ادبیات مناقفین در اظهارات برخی حاضران بود؛ به‌طوری که نشان می‌داد که مناقفین، ضلع پنهان این نشست بوده‌اند. به نظر می‌رسد که متفکر بودن مناقفین حتی از سوی مخالفان جمهوری اسلامی باعث شده تا این گروه‌ک در توافقی از پیش تعیین شده، تصمیم بگیرد خود را از رسانه دور بدارد و در پشت پرده، جریان آشوب را علیه جمهوری اسلامی رهبری کند. در نهایت باید گفت که عموماً آنچه در این دست نشست‌ها، مطرح می‌شود بازخوانی دیکته دولت‌های غربی است؛ وگرنه روشن است که چنین افرادی که بعضاً مخارجشان از جیب مادرشان تأمین می‌شود، در حدی نیستند که بخواهند چهره اپوزیسیون به خود بگیرند؛ چه برسد که بخواهند آن را رهبری کنند!

پرواز درآورد و پس از ساعاتی آن جنگنده‌ها نیز بمباران و نابود گشتند؛ به همین دلیل ساخت پایگاه‌های زیرزمینی اهمیت دارد و باعث حفظ دارایی‌های مهم و ارزشمند ارتش می‌شود. با توجه به خرید جنگنده‌های بسیار مهم، راهبردی و گرانبقیم سوخو ۳۵، احتمالاً بخش قابل‌توجهی از آنها در پایگاه‌های ایمن زیرزمینی مستقر شوند و ارتش ایران با این رونمایی نشان داد خود را برای دریافت جنگنده‌های جدید آماده کرده است.

اقدامات اینچنینی در ارتش، بیش از همه جنبه بازدارندگی دارد زیرا راهبرد آمریکا و اسرائیل معمولاً بر ضربه اول و نابودی کامل توان نظامی رقیب در لحظات اول جنگ متمرکز شده است و ایجاد پایگاه‌هایی مانند عقاب ۴۴ استراتژی آنها را بی‌اثر خواهد ساخت.

ایران در سال‌های اخیر از قابلیت وسعت جغرافیایی و طبیعی خود نهایت استفاده را کرده و دارایی‌های بسیار راهبردی صنعتی، هسته‌ای و نظامی خود را به زیر کوه‌ها منتقل ساخته و با اعلام کردن آنها علاوه بر قدرتمندی و نشان دادن قابلیت‌های تکنولوژیک در زمینه ساخت پایگاه‌های زیرزمینی، پیام آمادگی خود را در برابر حملات هوایی گسترده به طرف‌های متخاصم فرستاده است.



تسنیم

اهمیت راهبردی پایگاه عقاب ۴۴ چیست؟

غیرعامل تعریف کرد، کاملاً ایمن و محافظت شده بوده و از بین بردن آن با تسلیحات متعارف تقریباً محال است. تجمیع جنگنده‌های سرحال و تازه‌نفس ارتش در این پایگاه باعث می‌شود تا در صورت حمله غافلگیرانه احتمالی، بخش قابل‌توجهی از هواگردهای ارتش دست نخورده و سالم باقی بمانند و

نیروی هوایی ارتش از اولین پایگاه زیرزمینی خود به نام عقاب ۴۴ رونمایی کرد. این پایگاه مخفی که مکان آن مشخص نیست، به گفته مقامات ارتش ایران صدها متر زیرزمین قرار دارد و جنگنده‌های تاکتیکی ارتش را در خود محفوظ ساخته است. در این خصوص ذکر چند نکته ضروری است؛

غیرعامل تعریف کرد، کاملاً ایمن و محافظت شده بوده و از بین بردن آن با تسلیحات متعارف تقریباً محال است. تجمیع جنگنده‌های سرحال و تازه‌نفس ارتش در این پایگاه باعث می‌شود تا در صورت حمله غافلگیرانه احتمالی، بخش قابل‌توجهی از هواگردهای ارتش دست نخورده و سالم باقی بمانند و

نیروی هوایی ارتش از اولین پایگاه زیرزمینی خود به نام عقاب ۴۴ رونمایی کرد. این پایگاه مخفی که مکان آن مشخص نیست، به گفته مقامات ارتش ایران صدها متر زیرزمین قرار دارد و جنگنده‌های تاکتیکی ارتش را در خود محفوظ ساخته است. در این خصوص ذکر چند نکته ضروری است؛

یادداشت تحلیلی

علیرضا تقوی‌نیا

پژوهشگر

در آستانه چهل‌وپهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران،